

خدا از (برکت) ربا می کاهد، و بر صد قات می افزاید، و خداوند هیچ ناسپاس گناه کاری را دوست نمی دارد. (۲۷۶) (سوره بقره)

ارگان نشراتی وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان

سال پنجم \* شماره ۷۶ \* ۳۰ ثور ۱۳۹۰ \* 20 May \* 2011

## ملاقات جمعی از وکلاء

## مردم و نمایندگان ریاست

## کمیسیون مستقل حقوق

## بشر افغانستان با وزیر



## مجازات جرم سرقت از

## منظر شریعت و قانون

تتبع و نگارش: سید محمد رضا فخری

1 - سرقت عمل ناپسند بوده و بیشتر شهروندان کشور از آن متضرر می شوند. شریعت اسلام و قوانین جزایی کشور مجازات های سختی را در این مورد در نظر گرفته اند تا میزان جرایم سرقت کاهش یابد.

سرقت در طول تاریخ عوامل مختلف اقتصادی و اجتماعی داشته که ما به آن نمی پردازیم، در این مقاله به سابقه تاریخی سرقت و دستورات خاصی که شریعت اسلام و قوانین جزایی برای جرم سرقت تعیین کرده است پرداخته شده است.

یکی از قدیمی ترین جرایم علیه اموال و مالکیت (جرایم مالی) که از آغاز پیدایش مالکیت خصوصی و در میان جوامع مختلف بشری در سال های مختلف وجود داشته، جرم سرقت است.

از سوی دیگر جرم سرقت از جمله جرایم بزرگی است که در ادوار مختلف زندگی اجتماعی بشر از آن به زشتی و تفر یاد شده، و کلیه قوانین بشری برای مرتکبین آن مجازات سخت تعیین کرده اند در حال حاضر در اکثر کشورها، جرم سرقت بخش عمده فعالیت های مجرم را تشکیل میدهد. برخی از شیوه های اجزایی جرم سرقت، بیشتر در سطح بین المللی و به صورت شبکه های مافیایی مشاهده می شود (۱) از زمانیکه مالکیت خصوصی در میان بشر به رسمیت شناخته شده به دنبال آن تجاوز به اموال و تعرض به مالکیت نیز جرم تلقی شده و برای آن مجازات تعیین شده است. که مهمترین آن ها عبارت از سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت را شامل می گردد.

حقوق دانان جرایم مالی را اینگونه طبقه بندی کرده اند:

✓ سرقت و سرقت مسلحانه: راهزنی که جز جرایم مالی محسوب می شوند.

✓ اختطاف: شخصی بدون آن که مسلح باشد و یا عمل اش عنوان سرقت داشته باشد به طور علنی مالی را می گیرد و فرار می کند.

✓ اختلاس: در مفهوم اختلاس، اختلاف وجود دارد برخی از دانشمندان همچو شهید ثانی در کتاب شرح لمعه اختلاس را بر مفهوم لغوی آن جاری کرده بیان داشته اند " ربودن مال دیگری به طور پنهانی و بدون هتک فرد، اختلاس است اما اگر توام با هتک فرد باشد آن را سرقت می نامند." بر این اساس هر گاه هم ربودن و هم مال مخفی باشد سرقت خواهد بود و اگر ربودن مخفی، اما مال آشکار باشد اختلاس است. عده ای دیگر مثل صاحب جواهر می فرماید: در اختلاس، شخصی با استفاده از غفلت صاحب مال، مال او را می رباید. (۲) به هر صورت، اختلاس خواه به طور مخفیانه باشد و بدون هتک فرد و یا به طور آشکار، بدون نشان دادن اسلحه و یا با استفاده از غفلت مالک باشد مرتکب آن مستحق تعزیر خواهد بود.

ادامه ص/۳

روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۰/۲/۱۹ عده کثیری از وکلای مردم در ولسی جرگه و نمایندگان ریاست کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان با ارنپوه حبیب الله غالب وزیر عدلیه ج.ا.ا در دفتر کارش ملاقات نمودند.

موضوع ملاقات شانرا ابراز نظر و نگرانی در مورد قانون خانواده تشکیل میداد و آنها از وزیر عدلیه کشور خواستند تا قانون خانواده از بدنه قانون مدنی جدا و به صورت مستقل یک کد جدا درین قسمت تدوین گردد، در مقابل وزیر عدلیه افزود که با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و دینی در کشور، میکوشیم تا درین قسمت یک راه حل معقول و مناسب را دریافت نماییم.

### تعزیرات:

تعزیرات جمع تعزیر و تعزیر واژه عربی و در لغت به معنای تادیب، سرزیش و عقوبت آمده است. در اصطلاح فقه به مجازاتی گفته می شود که میزان آن در شرع مشخص نشده و اختیار تعیین نوع و میزان آن بدست قاضی می باشد. در حقوق و قانون نیز همین معنا برای تعزیر ارائه شده است. مطابق قانون جزا مجازات های تعزیری شامل حبس، جزای نقدی و اعدام می باشد. به عقیده دانشمندان حقوق تعیین تعزیرات به صورت قطعی و ثابت امکان ندارد و از طرفی هم تعزیرات مجازاتی است که مجرم را تادیب و اصلاح می کند بنا بر این هر مجرم و هر جرم، باید مجازاتی خاصی را در نظر گرفت. که این امر مربوط به قاضی می شود زیرا از نزدیک با مجرم ارتباط دارد. بهر صورت رویه قانونگذاری در ... ادامه درص/۲

## مجازات پیشبینی

## شده در قانون

## جزاء

دردانه فضائی

## قسمت (تقسیم) اموال و انواع آن

تتبع

### تقسیم به رضاء و تقسیم به اجبار

تقسیم رضایی را قانون مدنی کشور و مجله الاحکام اعتبار داده؛ قانون مدنی در مورد تقسیم رضایی چنین شرح نموده اند: «تقسیم تراضی زمانی تحقق می پذیرد که تمام شرکا به تقسیم مشاع رضایی باشد و هیچ کدام اعتراضی نداشته باشد و تقسیم در این صورت به گونه ای صورت می پذیرد که خود شرکا ابراز رضایت نمایند.»

مجله الاحکام در ماده (۱۱۲۱) تقسیم به تراضی را چنین تصریح می دارد: «قسمت رضاء آنست که در ملک مشترک بین متقاسمین به تراضی شان تقسیم شود یا همگی به رضایت خود مال مشترک را تقسیم نمایند.»

اما در تقسیم رضائی در بعضی موارد محدودیت ایجاد می گردد، و همیشه قابل اجرا نمی باشد، بدون شک دلیل این محدودیت، دفاع از حقوق و منافع آنها می باشد که ممکن است در اثر تقسیم به رضاء قانونگذار سکوت را علامت رضایت دانسته، اما با وجود این به منظور افزایش تقسیمی که احتمال دارد متضرر شوند.

محدودیت تقسیم به رضاء زمانی مطرح میشود که مال مشترک قابل تقسیم نباشد و یا هم در بین تقسیم کننده گان محجوزین و غایبین موجود باشد.

قانون مدنی در ماده (۱۹۵۲) به این موضوع اشاره نموده و محدودیت را هم ذکر نموده است:

«تقسیم رضایی در غیاب یکی از تقسیم کننده گان جواز ندارد، ولی یا وصی صغیر در تقسیم قائم مقام صغیر میگردد. مشروط بر اینکه محکمه با صلاحیت مطابق با احکام قانون با آن موافقت نماید.»

همچنان در ماده (۱۹۵۴) به صراحت بیان نموده که «باید مال قابلیت تقسیم را داشته باشد، در غیر آن به اساس تقسیم استفاده مطلوب از بین می رود.» طور مثال در تفریق و جدا نمودن موتر، مجسمه و یا آسیاب به هریک از شرکا ضرر وارد می شود. چرا که در صورت تقسیم، استفاده مطلوب و منفعت مورد نظر در اموال متذکره از بین می رود. هرگاه یکی از شرکای این اموال تقاضای تفریق و جدایی حصه خود را از محکمه بنماید، محکمه بنا بر مصلحت سایر شرکا و عدم استفاده شی، به تفریق آن حکم نمی نماید. اما تقسیم با رضایت که به موجب آن رضایت بعضی از شرکا صورت گرفته باشد، در صورتی که طرف مدت معین، ... ادامه در ص/۲

مورد اعتراض دیگران واقع نشود، مبنای تقسیم قرار می گیرد. این استنباط از مواردی است که قانونگذار سکوت را علامت رضایت دانسته، اما با وجود این به منظور افزایش تقسیمی که احتمال دارد متضرر شوند.

همچنان ماده ۱۹۹۵ قانون مدنی در زمینه تثبیت استحقاق ارث چنین صراحت دارد: " برای تثبیت استحقاق ارث، تحقق حیات حقیقی یا حکمی وارث هنگام مرگ مورث یا هنگام صدور حکم به مرگ مورث، حتمی شمرده می شود."

هدف میراث عبارت از شناختن حقوق مستحقین است از متروکه میت، تا هر مستحق بحق خود رسیده یکی بردگیری ظلم نمایند.

فرق ارث و میراث:

برخی از دانشمندان حقوق معتقدند که این دو کلمه به یک معنی است؛ یعنی اگر مراد از ارث، ترکه و مال باشد، میراث نیز همان معنی را خواهد داشت.

از دیدگاه فقها ارث و میراث دو کلمه متغیرند. چنانکه از حیث لغت نیز یکی نیستند. آنها در تعریف میراث گفته اند: "میراث حقی است که از مرده حقیقی یا حکمی (مفقود الاثر) به زنده حقیقی یا حکمی (جنین) منتقل می گردد." ... ادامه در ص/۲

عمر (رض) در سال هشتم هجرت شخصاً به شهر شام رفته تا برای مردم میراث را بیا موزاند.

### ارث:

در اصطلاح ارث عبارت از حقی است که از مرده حقیقی (مرده حقیقی آن است که جسد اش در حضور مردم به خاک سپرده شود) یا حکمی (مرده حکمی آن است که مفقود ولاد کرد باشد) و از طرف محکمه حکم فوت وی صادر شده باشد) بالاصاله (از سلسله اصل و نسب باشد) به زنده حقیقی یا حکمی انتقال یابد.

ماده ۱۹۹۴ قانون مدنی در رابطه به میراث چنین صراحت دارد: " استحقاق ارث به مرگ مورث یا به اعتبار اینکه به حکم قاضی مرده شمرده شده، تحقق می یابد."

## حقوق میراث

دوست محمدا عرف

میراث در شریعت اسلامی و قوانین نافذه یکی از مهمترین حقوق انسان محسوب شده است. این حق برخلاف سایر حقوق از حیث ترکه مال انسان در حالت وفات به وارثینش تعلق می گیرد.

میراث یکی از اسباب کسب ملکیت اموال بوده و از جمله علوم متداوله در قفه به شمار میرود. چنانچه پیامبر (ص) آنرا نصف علم دانسته و میفرماید: «یاد گیرید فرایض را و یاد بدهید آنرا به مردم زیرا فرایض نصف علم است.»

از اینجا است که میراث در عهد خلفاء راشدین و بعد از آن مورد اهتمام خاص قرار گرفته چنانچه حضرت

**سال پنجم** \* شماره **۷۶** \* ۳۰ ثور ۱۳۹۰ \* **20 May** \* 2011

## (تقسیم)اموال قسمت…

به زبان غایب انجام شود محکمه از احتیاط کار گرفته نظر کارشناسان بخش را حین اصدار حکم مد نظر می گیرد. این موضوع را نپذیرفته وکدام ماده ای در این ارتباط موجود نیست ولی آنچه ماده ۱۹۵۲استنباط می شود این است که تقسیم درغیاب یکی از شرکا

صحت ندارد. اما در مورد کار شناس و اهل خبره ماده ۱۹۵۵ قانون مدنی تصریح نموده است:

«هرگاه مال قابل قسمت باشد، محکمه می تواند هنگام مطالبه تقسیم از جانب یکی از شرکا یک یا چند نفر اهل خبره را به منظور ترتیب و تقسیم حصه هرشریک موظف نماید.»

**تقسیم به اجبار:**

آنطوریکه درگذشته تذکرده‌اشد، تقسیم دراموال مشاع زمانی مفهوم پیدا می نماید که اموال بین دو یا چند نفرمشترک باشد. ممکن است یک یا چند نفر از شرکا راضی به تقسیم نباشد و منافع خود را در بقای شرکت ببینند. در این صورت شریکی که مایل است حصه خویش را جدا نماید، می تواند از محکمه تقاضای تقسیم را بنماید. این تقاضا درصورتی پذیرفته می شود که مال قابل تقسیم باشد و جدا ساختن باعث از بین رفتن مالیت آن نگردد و تقسیم موجب ضررشرکای امتناع کننده نباشد. زیرا مواردیکه تقسیم باعث از بین رفتن مالیت و یاموجب ضررشرکای دیگرشود اصل این است که بین حقوق شرکا، جمع صورت گیرد به گونه ای که هیچ کدام، ازحقوق شان محروم نشوند، شریک متقاضی فروش، مال مشترک و تقسیم بهای آنرا از محکمه مطالبه نماید.

هرگاه اجبارمالک برباقی ماندن درشرکت باعث ضرروا باشد، میتواند از محکمه، شریک امتناع کننده را وادار به تعمیر، اجاره یا فروش سهم خود درخواست نماید.

درقانون مدنی افغانستان به تقسیم اجباری بصورت مشخص اشاره نشده اما درمجله الاحکام تحت عنوان تقسیم قضایی در ماده ۱۱۲۲ چنین مشعر است:

«قسمت قضا آنست که تقسیم ملک مشترک به طلب بعضی از مقسوم لهم به حکم قاضی جبرأصورت گیرد»
با در نظر داشت ماده متذکره، در مطالبه تقسیم به اجبارشرطی مد نظر است که درماده ۱۱۲۹مجله الاحکام به صراحت بیان شده است:
« مطالبه،درتقسیم قضاشرط است.»

بنابراین تقسیم مال مشاع به صورت جبری توسط قاضی صحیح است به شرط آن که یکی ازصاحبان حصص، تقسیم آن را مطالبه نماید.

آنچه که از این نوشته به عنوان نتیجه بدست می آید این است که تقسیم ملک مشاع درکل یا بصورت اجباری، صورت می گیرد و یا بصورت رضایی. درتقسیم اجباری محکمه دخالت دارد ولی تقسیم رضایی به رضایت واراده شرکا انجام می شود که بدون شک هرکدام آثاری را به بارمی آورد که از هم متفاوت است و منشأاعتبارشان هم فرق می کند آثاری که از تقسیم اجباری بدست می آید مطابق قانون است یعنی آنچه که درقانون پیش بینی شده کسی نمی تواند آنراتغییردهد واعتبارخود را نیز از قانون می گیرد؛ اما مبنای اعتبارتقسیم رضایی، اراده شرکا می باشد. درحقیقت آثار و نتایج تقسیم نیز به گونه ای است که شرکا در مورد آن توافق کرده اند. ولی ناگفته نماند که هیچ گاه توافق شرکا در تقسیم، خلاف قانون بوده نمی تواند؛ مثلا: مالی که غیر قابل تقسیم باشد توافق و اراده شرکا نمی تواند آن را تقسیم کند، اگر این گونه توافق هم شده باشد هیچ اثر حقوقی به بارنمی آورد و از اعتبارساقط است.

منابع وماخذ:
مجله الاحکام قانون مدنی شرح الاتاسی سایت انترنتی

فقها درتعریفارث گفته اند:"ارث استحقاق پیدا کردن یک انسان با فوت انسان

دیگربه چیزی؛ به خاطرنسب یا سبب."

کلمه میراث در لغت به دو معنی استعمال گردیده است:

۱ – بقاء؛ طوریکه خداوند(ج) می فرماید:

(انا لنحن نحی ونمیت ونحن الوارثون) وارث درین آیت بمعنی بقاء است.

۲- انتقال یک چیز(حسی یا معنوی) ازیک شخص به شخص دیگری یا از قوم به قوم دیگر.

دراصطلاح فقها میراث عبارت ازقواعد فقهی وحسابی است که توسط آن حصه وارث ازمتروکه میت معلوم می گردد.

میراث درکتاب فقه به علم فرائض نیز مسمی گردیده است. فرائض جمع فریضه بوده ودرلغت به معانی متعدد بکار رفته است؛ازجمله:

۱- تقدیروتعیین، مثل این قول خداوند (ج) درسوره بقره آیه ۲۳۷می فرماید:(معین کرده باشید برای اشان مقداری.) کلمه فرض معنی تعیین و تقدیر را می د هد.

۲- قطع، مثل این قول خداوند(ج) درسوره نساء آیه ۷ می فرماید:(بسیارحصه مقررکرده شده.) فرض دراینجا معنی قطع را می دهد.

**سیر تاریخی میراث:**

### الف– میراث نزد رومانی ها

رومانی های قدیم برای میت نماینده (وکیل) می گماشتند که این نماینده از طرف میت درحال حیات او از پسران و یا اقارب و اشخاص اجنبی بشرط موافقه قبیله برآن تعیین می گردید. اگر قبیله به تعیین آن موافقت نمی کرد، شخص دیگری را که قبیله صالح می دانست، برای انجام وظایف که به او سپرده می شد، تعیین می کرد. وکیل بعد از تعیین، قایم مقام شخص درحقوق متوفی، ریاست فامیل به وی انتقال یافته و دراموال تصرف می کرد وشخصی که او را تعیین کرده و اعضای فامیل حق نداشت که به تصرفات وی اعتراض کند.

این وضع مشکلاتی را به بار آورد. بنابراین آنها مجبور گردید ند درآن تعدیلی وارد سازند. طوریکه بعد ازتعیین وکیل، در حین حیات شخص، وکیل حق تصرف را نداشته بلکه تصرفات او بعد ازفوت آن شخص قابل تنفیذ وریاست فامیل نیز به وی انتقال می گردید.

این پروسه تقسیم میراث نزد رومانی های قدیم برای حل مشکلات اجتماعی مؤثر واقع نگردیده بلکه مشکلات مختلف را به میان آورد. به همین خاطر چندین بارمورد تعدیل قرارگرفت. بالاخره دروقت امپراطوری غسطنایوس(۵۴۳–۵۴۷)میلادی اومری صادر گردیده و به اساس آن قرابت، اساس و قاعده میراث قرارگرفت. به این ترتیب میراث، به اشخاص ذیل بالترتیب انتقال نموده

## مجازات پیشبینی شده در قانون جزاء

۱.تأمین هدف جزایی.

۲.احوال شخصی ، اجتماعی و اقتصادی مرتکب.

۳.اندازه مفادیکه از ارتکاب جرم حاصل گردیده یا توقع استحصال آن برده می شد.

۴.نوعیت حقی یا مصلحتی که مورد تجاوز قرار گرفته است.

**جزاهای تکمیلی :** جزای تکمیلی به مجازاتی گفته می شود که بر جزای اصلی افزوده گردیده و باید در فیصله محکمه ذکر گردد.در این

مورد ماده ۱۷قانون جزا ذیلا صراحت دارد:

۱-محرومیت از بعضی حقوق و امتیازات.

۲-مصادره.

در مورد مصادره ماده ۱۱۹ قانون مدنی ذیلا صراحت دارد:

۱-محکمه می تواند در مواردیکه قانون مصادره را به حیث جزا پیشبینی نکرده باشد به مصادره اشیایی که از ارتکاب جرم بدست آمده یا در ارتکاب آن استعمال گردیده و یا به قصد استعمال در ارتکاب جرم تهیه شده باشد حکم نماید.

-حکم به مصادره به هیچوجه حقوق غیر را که صاحب حسن نیت باشد اخلال نمی نماید.

۳-نشر حکم.

در رابطه به نشر حکم ماده ۱۲۰ قانون جزا چنین مشعر است:

۱-محکمه می تواند به اساس صوابدید خود و یا مطالبه سارنوال نشر حکم را در فیصله تصریح نماید. جزای تکمیلی به اساس حکم محکمه مبنی بر حبس طویل الی ۱۰ سال و یا حبس متوسط علاوه بر جزای اصلی به محکوم علیه داده می شود. چنانچه ماده ۱۱۸ در این مورد ذیلا تصریح نموده است:

محکمه می تواند هنگام حکم به حبس طویل الی ده سال یا حکم به حبس متوسط علاوه بر جزای اصلی جرم شخص را از بعضی حقوق و امتیازات مندرج فقرات ۱-۱۱ ماده ۱۱۳ این قانون محروم سازد.مشروط بر اینکه مدت محرومیت از یکسال کمتر و از سه سال بیشتر نباشد. جزای تکمیلی بعد از تطبیق جزای اصلی و یا انتضای آن به هر سببی که باشد ، تنفیذ می گردد."

۲-در جرایم قذف ، توهین و دشنام از طریق وسایل مطبوعاتی صورت گرفته باشد محکمه به نشر آن با رعایت حکم فقره (۳) این ماده توسط عین وسیله حکم می نماید. در صورت امتناع یا تعلل بدون عذر معقول از نشر حکم مدیر مسؤل به جزای نقدی لیکه بیش از پنج هزار افغانی نباشد محکوم می گردد.

جزای تکمیلی به اساس حکم محکمه مبنی بر حبس طویل الی ۱۰ سال و یا حبس متوسط علاوه بر جزای اصلی به محکوم علیه داده می شود. چنانچه ماده ۱۱۸ در این مورد ذیلا تصریح نموده است:

### ۲

## حقوق میراث

وهرطبقه درنبود طبقه فوقانی مستحق میراث شناخته می شد:

۱-فروع میت، مثل پسر و پسرپسر؛

۲-اصول میت، مانند پدر و پدرکلان؛براد

۳- پدری و مادری واولاد آنها؛

۴- خواهر پدری و مادری واولاد آنها؛

۵- برادران پدری واولاد آنها؛

۶- خواهران پدری واولاد آنها؛

۷- برادران مادری واولاد شان؛

۸- خواهران مادری واولاد شان.

دهرطبقه، مردان و زنان شان حق مساوی درمیراث داشته و یکی بالای دیگری در استحقاق میراث ترجیح نداشت. اگرز میت، اشخاص فوق الذکر باقی نمی ماند، میراث به اقارب بعید انتقال گردیده و اگرمیت، قریبی نمی داشت، ترکه، مال دولت پنداشته می شد.

زوج و زوجه از یکدیگر ارث نمی بردند. زیرا آنها قریب یکدیگرنبوده وقاعده ای که به اساس آن میراث را بین اقارب توزیع می کردند، درمورد آنها تطبیق نمی گردید.

### ب– میراث دریونان قدیم

قوانین یونان قدیم، اموال اشخاص وفامیل ها را جزیی ازثروت عامه پنداشته وهرشخص دراداره اموالش وکیل حکومت شمرده می شد. انها باید درتصرف اموال درایت تام داشته وبا کمال فهم ودانش درآن تصرف می کردند.

روشی را که یونانی ها درتصرف میراث بکارمی بردند، این بود که شخص درزمان حیاتش مقابل جمعیت مخصوصی که به این امر مؤظف بود ونام جمعیت ملی یاد می گردید، شخصی را تعیین می کرد که بعد ازفوت او در اموالش تصرف نماید. هم چنان بعد از وفات شخص ریاست فامیل به او انتقال می گردید وحق به ازدواج دادن خواهران و دختران متوفی مربوط به او می شد.

طریقه یونانی های قدیم درمیراث با نظام اول میراث درروم قدیم مشابهت داشت؛ اما، تفاوتی که درآن دیده می شد این بود که صحت تعیین وکیل و وصی به اساس حکم جمعیت ملی صورت گرفته و به این حکم هر زمان هرشخص که می خواست حق داشت اعتراض نماید؛ زیرا طوریکه ذکرگردید، اموال شخص جزء ثروت عامه پنداشته می شد.

۱-محکمه می تواند هنگام حکم به حبس طویل الی ده سال یا حکم به حبس متوسط علاوه بر جزای اصلی جرم شخص را از بعضی حقوق و امتیازات مندرج فقرات ۱-۱۱ ماده ۱۱۳ این قانون محروم سازد.مشروط بر اینکه مدت محرومیت از یکسال کمتر و از سه سال بیشتر نباشد.

۲- جزای تکمیلی بعد از تطبیق جزای اصلی و یا انقضای آن به هر سببی که باشد ، تنفیذ می گردد."

جزاهای تبعی:

جزاهای تبعی به مجازاتی اطلاق می شود که از آثار مرتبط بر محکومیت جزایی بوده و نیازی به ذکر آن در فیصله محکمه نمی باشد.چنانچه ماده ۱۱۲ قانون جزا در زمینه تصریح می دارد:

" جزاهای تبعی عبارت از مجازاتی است که بالای محکوم علیه به حکم قانون بدون اینکه در حکم محکمه تصریح گردد تطبیق می شود. ماده ۱۱۳قانون جزا افغانستان در این باره چنین اشعار دارد:

(۱)اشخاصیکه به حبس دوام یا حبس طویل بیش از ده سال محکوم گردد از حقوق و امتیازات آتی نیز محروم می شود:

۱-مامور دولت.

۲-خدمت در اردو.

۳-عضویت پارلمان ، شاروالی ها ، جرگه های ولایتی و محلی.

۴-سهمگیری در انتخابات بحیث رای دهنده.

۵-استعمال عناوین تعلیق نشانهای دولتی اعم از داخلی و خارجی .

۶-عضویت در هیات مدیره شرکتها و بانکها.

۷-وصایت ، قیمومیت و وکالت در معاملات و دعاوی.

۸- شهادت در عقود و معاملات در مدت محکومیت.

۹-عقد قرار داد با دوایر دولتی و یا کسب امتیاز از طرف دولت.

۱۰-صاحب امتیاز ،مدیرمسؤل ، ریاست هیات تحریر مجلات و روزنامه ها.

۱۱-اداره اموال و املاک در مدت محکومیت به استثنای وقف و وصیت.

(۲)هر گاه محکوم علیه وقت صدور حکم از یکی از حقوق و امتیازات فوق مستفید باشد بمجرد صدور حکم از آن محروم می شود.

با توجه به قانون جزاء قانونگذار برای تعیین مجازات از دو شیوه و روش استفاده نموده یکی مجازات ثابت و دیگری مجازات حد اقل و حد اکثر (تعزیرات) می باشد. مجازات ثابت از قبیل قصاص ، حد و دیه است که هیچ فردی نمی تواند نوع ، میزان و کیفیت آنرا تغییر دهد . مطابق احکام شریعت اسلامی مرتکبین جرایم فوق الذکر مجازات می شوند. در رابطه با تعزیرات قانونگذار یک مجازاتی در بین حد اقل و حداکثر برای بیشتراز جرایم در نظر گرفته است تا قاضی بتواند متناسب با جرایم ، حالات مجرم و شرایط آن، مجازات وی را تعیین و اعمال نماید.

منابع ماخذ:

قانون اساسی

قانون جزا

حقوقی عمومی جزا... نوریها

قانون اصطلاحات حقوقی

مجله عدالت

## جایگاه و اهمیت حقوق مالکیت...

همچنین در چارچوب سازمان ملل متحد، یک ارگان تخصصی با عنوان سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO)، مسوول رسیدگی به امور مرتبط با مالکیت فکری و معنوی می باشد. مراعات حقوق مالکیت فکری و معنوی و پذیرش کنوانسیون‌های مربوطه به آن موجب حفظ و اعتبار کشورها از لحاظ احترام به این بخش مهم از حقوق بشر در سطح بین المللی است. در ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان شده که هرکس حق دارد از حمایت مادی و معنوی آثار هنری، علمی و فرهنگی خودش بهره مند گردد. در منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر، توجه جدی به امور فرهنگی و حقوق مالکیت فکری برای استقرار صلح جهانی در نظر گرفته شده است. بطور یقین پدیده‌ها، آفرینش‌ها و تراوش‌های فکری بشری به نوعی با حقوق بشر ارتباط دارد و حمایت از چنین حقی در چارچوب حق شخصی و فردی انسان و به طور کلی در حوزه حقوق

# حقوق اقلیت ها ...

دیگر که با آنان از لحاظ ریشه ونسب ملی و قومی و وابستگی های دینی یا زبانی متصل هستند، بدون هیچ تبعیضی، بر قرار ساخته وحفظ نمایند."

ماده مذکور ضمن اعلام آزادی ارتباطات برای اقلیت ها، موانع جغرافیایی موجود و یا ممکن را نیز برداشته و وضعیت متفاوت گروه‌های مختلف اقلیتی را در این زمینه مد نظر قرار داده است. اشخاص متعلق به گروه های اقلیتی که بطور پراکنده در کشوری به سر می برند همانند گروه هاییکه بطور دسته جمعی در منطقه جغرافیایی مشخص ساکن هستند شامل این ماده می باشند. ضمنا این ماده شامل گروه های اقلیتی که بین مرز های سیاسی چندین دولت پراکنده هستند و یا این که در نزدیکی مرز یا دولت دیگر ساکن هستند و یا جمعیت آن سوی مرز دارای وابستگی های ملی، قومی، دینی یا فرهنگی می باشند، نیزشامل می شود.حقی که درماده فوق الذکر به گروه های اقلیتی اعطاشده است یک نوآوری اعلامیه بود. تا آن موقع چنین حقی در زمینه حمایت ازاقلیت ها به رسمیت شناخته نشده بود.همچنان گنجایندن اصطلاح "فراسوی مرز ها" در متن ماده مورد بحث، تاکید ومنظور واقعی که در این ماده منعکس شده است این است که اقلیت ها حق داشته باشد هم در داخل و هم در خارج از کشور که در آن مقیم هستند ارتباط برقرار ساخته و آن را حفظ کنند. برای اقلیت هایی که در نزدیکی مرزها ساکن هستند چنین حق حائز اهمیت خاص است زیرا به آن ها اجازه میدهد از طریق ارتباط با جمعیت های واقع در آن سوی مرز، هویت مشترک خود را تحکیم، توسعه و ترویج دهند. بخشی از اعلامیه در زمینه حمایت های خاص ازهویت اقلیت ها است که از میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی الهام گرفته است و حتی از حقوق شناخته شده در این ماده به مراتب فراتر رفته است. بند اول ماده ۳ اعلامیه در این راستا حقوق ذیل را برای اقلیت ها به رسمیت شناخته است: «اشخاص متعلق به اقلیت ها حق دارند از فرهنگ خاص خود بهره مند باشند دین مخصوص خود را به جا آورده و آموزش دهند و زبان مخصوص خود را استفاده نمایند.»

اعلامیه ۱۹۹۲ اضافه از این، حقوق نوینی را نیز برای حمایت از هویت اقلیت ها پیشبینی کرده است که به ترتیب دربند اول ماده ۱، بند ۳ ماده ۲ و بند ۴ ماده ۲ درج شده اند. نخستین حق، بهره مند بودن از حمایت دولت متبوع خود جهت حفظ موجودیت و هویت است.(بند ۱ ماده ۱ ) بخش اول این حق، یعنی حمایت از موجودیت اقلیت ها، هرگونه اقدام را از سوی دولت ها به منظور از بین بردن اقلیت ها، به هر طریق که باشد، منع میکند. بنابراین نابودی فزیکی اقلیت ها، جابجای آنها از یک منطقه به منطقه دیگر و قلمرو از سرزمین دولت و یا خارج آن از کشوره کشور دیگر شامل این ممنوعیت می شود.

# مجازات جرم سرقت از ...

.../ در قوانین عرفی، همه این موارد تحت عنوان سرقت مطرح می شود مثل کیسه بر، نباش(کفن دزد) و مسموم کردن کسی با دارو دادن و یا مواد مخدر دیگری به قصد ربودن مال او و خیانت در امانت انواع دیگری از جرایم مالی هستند.احکام و مقررات دین مقدس اسلام به عنوان مجموعه ای منسجم و نظام مند متشکل از مسایل اعتقادی، اخلاقی، عبادی و حقوقی تنظیم یافته است. از این رو با آن که برای سرقت، مجازات نسبتاً سنگین پیش بینی شده ولی پیشاپیش مقرراتی را برای جلوگیری از ارتکاب جرم سرقت وضع نموده، تا با رعایت آن مقررات، انگیزه و علل ارتکاب سرقت تقلیل یافته و ارتکاب سرقت به حد اقل برسد. اسلام در نهایت، مجازات قطع دست را با شرایطی برای سارق پیش بینی نموده است.(۳) شریعت اسلام برای حفظ و صیانت اموال مردم از شر دستبرد دستورات مختلف داده است،

**سال پنجم \* شماره ۷۶ \* ۳۰ ثور ۱۳۹۰ \* 2011 \* 20 May \***

بشر قرار می‌گیرد. بسیاری از کارشناسان بر این باورند وقتی حق مالکیت فکری را قبول نکنیم، مشکلاتی پیش می‌آید و ابداعات، نوآوری ها و اختراعات جدیدی نخواهیم داشت که دیگران هم به صورت قانونی از آن بهره‌مند شوند.

ما هر قدر به حق شخصی انسان در خصوص مالکیت او بر آفرینش و خلاقیت فکری، ادبی و هنری اش احترام بگذاریم به همان اندازه در ارتقای حقوق بشر در داخل کشور و در سطح جهانی نقش خواهیم داشت و بر همین اساس باید به حقوق مالکیت فکری انسان‌ها احترام بگذاریم.

کشورما نیز به مانند سایر کشورها در جهت حمایت از حقوق مادی و معنوی، و احترام به این جنبه مهم از حقوق بشر، در قانون اساسی اهمیت این موضوع را انعکاس داده و ماده چهل و هفتم قانون اساسی دارای احکام ذیل می باشد:

« ... دولت حقوق مولف، مخترع و کاشف را تضمین می نماید و تحقیقات علمی را در تمام عرصه ها تشویق و حمایت می کند و استفاده موثر از نتایج آن را، مطابق به احکام قانون، تعمیم می بخشد.» ...ادامه درشماره بعدی

این حق جدیدی است که به اقلیت ها صراحتاً اعطا شده است. حق دیگر مذکور در این بند حمایت از هویت اقلیت ها در برابر تخریب مبانی فرهنگی آنها است که می‌تواند از طریق تدابیر جهت ادغام اجباری آن ها با اکثریت یا پراکنده ساختن آن ها صورت گیرد، تضمین میکند. حفظ هویت اقلیتی به این معنی است که گروه مورد نظر باید بتواند از تمام امکانات لازم برای رشد و توسعه خود و تطبیق با جامعه در حال تحول، برخوردار باشد. دومین حق نوینی که دراعلامیه دسامبر ۱۹۹۲ اعمال شده است حق سهمیم بودن واقعی اقلیت ها درتصمیم گیری هایی است که به آنان یا به مناطق که در آن زندگی میکند مربوط می شود. این امر چه در سطح ملی و چه در سطح منطقه ای باید محقق شوند( بند سه ماده۲).هدف این ماده تحکیم حد همستگی اقلیت ها در سطح منطقه ای یا ملی است طوریکه ازخطر انزواکاسته شده و ثبات داخلی کشور بهتر حفظ شود.حق نوین دیگریکه توسط اعلامیه ۱۹۹۲ به اقلیت ها اعطاء شده است و تا حدود به حقوق فوق الذکر مربوط می شود و در واقع ادامه آن است، حق تشکیل و اداره انجمن های خاص خود می باشند( بند چهار ماده۲) به کمک این ماده گروه های اقلیتی می توانند سازمان های خاص بحیث نماینده گی تشکیل دهند که این اقدام خصوصاً گامی در جهت شناسایی شخصیت حقوقی آنها به عنوان یک گروه حایز اهمیت خواهد بود. فعالیت های این انجمن ها نشان دهنده استفاده از حقوق که با مطابقت این اعلامیه داده شده می باشد یعنی حفظ هویت اقلیت ها و فراهم ساختن شرکت مستقیم آنها در زندگی جامعه و در تصمیم گیری هایی که به آنان مربوط می شوند. درکنار حقوقی که در اعلامیه ۱۹۹۲ داده شده است توجه خاص به حمایت از منافع مشروع اشخاص متعلق به اقلیت ها نیز گردیده است. بنابر بند اول ودوم ماده ۵ اعلامیه متذکره این منافع باید به طور کامل در برنامه ریزی و اجرای سیاست ها و طرح های ملی و همچون طرح های همکاری و امداد میان دولت ها در نظر گرفته شود. البته اعلامیه مذکور در کنار به رسمیت شناختن حقوق فوق برای اقلیت ها و حمایت های خاص، محدودیتی های را برای برخورد داری اقلیت ها از حقوق و حمایت های مذکور ذکر کرده است.اولین محدودیت" حق اساسی " دولت ها است که توسط حقوق بین الملل عمومی حمایت می شود. بنا بر بند چهار ماده هشت اعلامیه:

«هیچ یک از مفاد اعلامیه حاضر نباید طوری تفصیل شود که هرگونه فعالیت مغایر با اهداف واصلول(سازمان) ملل متحد ازجمله حاکمیت برابر، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دولت ها مجاز باشد.»

محدودیت دیگر، رعایت قوانین داخلی است. بند دو ماده ۴ تاکید می کند اعمال به خصوص که از نظر قوانین ملی خلاف محسوب شود یا مغایر ضوابط بین المللی باشد، از حمایت این ماده مستثناست .

احکام ماده(۴۵۴) قانون جزا در مورد جرم سرقت حاوی مطالب ذیل می باشد:

۱ – هرگاه در جرم سرقت شرایط اقامه حد تکمیل نگردد یا به اثر شبهه حد ممتنع و یا به نحوی از آنجا جزای محکوم بهای حد ساقط گردد، سارق طبق احکام این قانون مجازات می گردد.

۲ – همچنان شخصی که مال منقول و متقوم ملکیت غیر را طور خفیه بگیرد سارق شمرده می شود.»

هاکذا ماده ۴۵۵ قانون جزا درمورد ارتکاب جرم سرقت دارای احکام ذیل می باشد:

«شخصی که با اجماع شرایط چهار گانه آتی مرتکب سرقت گردد به حبس دوام محکوم میگردد... ادامه درشماره بعدی

# تدویر ورکشاپ «تطبیق بودجه به ...

ردیف اول وهمین قسم سایر وزارت خانه ها و ادارات مستقل در ردیف های دوم و سوم کوشش کردند تا بنابر مقتضای وقت و پالیسی نظام، بودجه خود را براساس سیستم بودجه براساس برنامه بسازند. روی این منظور وزارت عدلیه هم درسال ۱۳۸۹ خواست که وارد مرحله جدید از سیستم بودجه براساس برنامه گردیده و از این بعد بودجه خویش را مطابق برنامه های کلیدی این وزارت تنظیم و ترتیب نماید. جهت دست یابی به این هدف درسال گذشته طبق هدایت مقامات رهبری وزارت عدلیه، کمیته ی تحت ریاست محترم معین اداری توظیف شد. کمیته ی موظف بعد از هشت برج توانستند قدم به قدم مطابق پالیسی وزارت مالیه تمام ساحات عرضه خدمات وزارت عدلیه را درداخل چهار برنامه اصلی (امورمحوسین ومجوزین، خدمات حقوقی، امورقانون گذاری و اداره ومدیریت) ویازده برنامه فرعی (ایجاد زیربنا وخدمات اداری، نگهداری وادغام مجدد محوسین، امورمحموزین، ارایه مساعدت های حقوقی، حمایت ودفاع ازدرایی های عامه، حل وفصل قضایای حقوقی از طریق مصالحه ومیانجیگری، تقویت دموکراسی وحقوق بشر، بازنگری وتسوید قوانین، طبع و نشر قوانین، خدمات اداری وخدمات فنی وتخنیکی) تنظیم نمایند و بودجه عادی وانکشافی سال ۱۳۹۰ وزارت عدلیه را طبق برنامه های تنظیم شده مطابق سیستم بودجه براساس برنامه، عیارسازند.

## آگاهی حقوقی

صاحب امتیاز: وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان

مدیر مسوول: قانونپال محمد نسیم (برنا) رییس عمومی حقوق مرکز

سر دبیر: دردانه فضائلی

هیأت تحریر: عبدالرحمن عظیمی، فیض الله خواجه آمانی، سید محمد رضا فخری، گلالی سنکر

خیل عزیزی، و دوست محمد عارف

گزارش گر: شفیق الله نبی زاده

آدرس: کابل، وزارت عدلیه ریاست عمومی حقوقی مرکز امریت آگاهی عامه حقوقی

دیزاین: احمد خالد جمیلی : kasrajamily@yahoo.com

آدرس انترنتی ما: www.moj.gov.af پست الکترونیکی: agahi.hoqqi@gmail.com

سال پنجم \* شماره ۷۶ \* ۳۰ ثور ۱۳۹۰ \* 20 May \* 2011

## حقوق اقلیت ها در اسناد بین المللی

گلالی سنکر خیل عزیز

مهمترین اسناد بین المللی در مورد حقوق اقلیت ها عبارت از اسناد ذیل میباشد:

۱- پیمان پیشی گیری و سرکوبی جنایت کشتار عام، مصوب ۹ دسامبر ۱۹۴۸، هر عملی را که در جهت از بین بردن تمام یا بخشی از یک گروهی ملی، قومی، نژادی یا دینی ارتکاب یابد، با قاطعیت محکوم کرده، تدابیری جهت جلوگیری از وقوع آن به عمل آورده است.

۲- اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸.

۳- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶.

۴- اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت های ملی، قومی، مذهبی و زبانی مصوب ۱۹۹۲.

بند (۱) ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر در مورد منع تبعیض چنین بیان میدارد:

«هر کس می تواند بدون هیچ گونه تمایز مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنان ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت، یا هر موقعیت دیگر از تمام حقوق و کلیه آزادی هاییکه در اعلامیه حاضر ذکر شده است بهره مند گردد.»

ماده ۲۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز میگوید:

«کلیه اشخاص در مقابل قانون مساوی هستند و بدون هیچ گونه تبعیض استحقاق حمایت به السویه قانون را دارند. از این لحاظ قانون باید هر نوع تبعیض را منع و برای کلیه اشخاص حمایت موثر و مساوی، علیه هر نوع تبعیض خصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و عقاید دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، مکتب، نسب یا هر وضعیت دیگر تضمین بکند.»

ماده ۲۷ میثاق مذکور نیز در مورد اضافه می دارد:

«در کشور های که اقلیت های نژادی، مذهبی یا زبانی وجود دارد اشخاص متعلق به اقلیت های مزبور را نمیتوان از این حق محروم کرد که مجتمعاً با سایر افراد گروه خود از فرهنگ خاص خود برخوردار شوند و به دین خود متدین باشند و بر طبق آن عمل کنند و یا زبان خود را به کار ببرند.»

...ادامه در ص/۳

## مجازات پیشبینی شده در قوانین جزاء

دردانه فضائلی

جزاء های اصلی:	اعدام.	حسب دوام:
مجازات شامل جزاءهای اصلی، تکمیلی و تبعی می شود.	حسب دوام.	مطابق ماده (۹۹) قانون جزاء حسب دوام عبارت است از زندانی ساختن محکوم علیه در یکی از محاسباتی که از طرف دولت به این منظور تخصیص یافته است. مدت حسب دوام از ۱۶ الی ۲۰ سال می باشد.
مجازات اصلی عبارت است از مجازاتی که به طور مستقل دارای ضمانت اجرا می باشد. و در فیصله محکمه ذکر می گردد.	حسب متوسط.	حسب طویل.
جزاءهای اصلی در قانون جزاء:	حسب قصیر.	حسب طویل:
مجازات اصلی در ماده ۹۷ قانون جزاء بصورت ذیل تقسیم و پیشبینی گردیده است:	حسب طویل.	حسب طویل عبارت است از زندانی ساختن محکوم علیه تا وقت مرگ"
	حسب طویل.	حسب طویل عبارت از زندانی ساختن محکوم علیه... ادامه در ص/۲

## نگاهی گذرا به پالیسی ملی مساعدت های حقوقی

ریاست عمومی مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه که غرض ارایه مساعدت های حقوقی رایگان برای مظنونین و متهمین بی بضاعت در چوکات وزارت عدلیه ایجاد گردیده و از مدت بیشتر از دو سال بدین سو در شانزده ولایت فعالیت دارد. این اداره دارای مساعدین حقوقی دارنده جواز وکالت دفاع و فارغین پوهنچی های حقوق و شریعات می باشند که مطابق به مقرر مساعدت های حقوقی منتشره شماره ۹۵۰ جریده رسمی - لایحه وظایف و پلان کاری با نظرداشت مقرر طرز سلوک وکلای مدافع از حقوق مظنون و متهم بی بضاعت در قضایایی جزایی به پیشگاه مراجع عدلی و قضائی دفاع قانونی نموده و در قضایای مدنی برای زنان بی سرپرست و اطفال بی بضاعت نیز مساعدت های حقوقی رایگان می نمایند. برای اینکه این مساعدت توسعه و گسترش یافته باشد و زمینه فراهم آوری و دسترسی به مساعدت برای همه امکان پذیر گردد ایجاب می نماید تا مساعدت های حقوقی در چوکات یک پالیسی توضیح و فعالیت های آن غرض دسترسی به عدالت تشریح گردد که غرض برآورده شدن این اهداف و قبل از انفاذ مقرر مساعدت های حقوقی این اداره دارای یک پالیسی که در آن از طرح و تطبیق مقرر مساعدت های حقوقی، توسعه و گسترش مساعدت ها، ایجاد بورد مستقل مساعدت های حقوقی، ارایه مساعدت های حقوقی توسط وکلای مدافع، موسسات غیردولتی تذکر به عمل آمده بود.

## جایگاه و اهمیت حقوق مالکیت فکری یا معنوی

حقوق مالکیت فکری و معنوی (Intellectual Property Rights) عمدتاً به موضوعاتی می پردازد که زاییده فکر و اندیشه انسان است و مرتبط با خلق و آفرینش های ذهنی اوست. به بیان دیگر، موضوع این مالکیت ذاتاً غیرقابل لمس و عبارت از دانش و اطلاعاتی است که منتج به تولید محصولات فیزیکی شده یا در پروسه تولید آن ها بکار رفته است. حقوق مالکیت فکری و معنوی فارغ از هرگونه شروط قراردادی، حقوقی را برای پدید آورنده اثر شناخته و مقرر داشته است که همواره همه افراد جامعه مکلف به رعایت آن هستند. به عبارت دیگر، حقوق مالکیت فکری موجب می شود که این حق قانونی، مستقل از قرارداد و اراده افراد تحقق یابد. حق مالکیت فکری و معنوی براین نکته دلالت دارد که حق انحصاری از یک ابداع،

## تدویر ورکشاپ «تطبیق بودجه به اساس برنامه» در وزارت عدلیه



ورکشاپ یک روزه تحت عنوان " تطبیق بودجه به اساس برنامه " روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۰/۲/۱۲ در تالار کنفرانس های وزارت عدلیه با اشتراک روسا و جمعی از کارمندان وزارت عدلیه دایر گردید. در ورکشاپ متذکره که با تلاوت آیات قران کریم رسماً آغاز شد، ابتدا رئیس پالیسی و پلان وزارت عدلیه در مورد هدف برگزاری این جلسه صحبت نمود. موصوف هدف از تدویر ورکشاپ را تدویر اذهان و ارایه معلومات به کارمندان ذیربط این وزارت در رابطه به سیستم جدید بودجه سازی یعنی «سیستم بودجه بر اساس برنامه» در وزارت عدلیه که جدیداً شامل این سیستم گردیده است؛ اعلام نمود. بعداً ارایه (پرزنتشن) ترتیب شده توسط خدا داد وحدت امر طرح، ترتیب و نظارت پروژه ریاست پالیسی و پلان وزارت عدلیه و سید نادر مدیر عمومی بودجه در جلسه ارائه شد که در طی آن در مورد سیستم بودجه بر اساس برنامه و نحوه تطبیق آن در وزارت عدلیه معلومات کافی و مفصل ارایه گردید که مورد استقبال گرم اشتراک کننده گان قرار گرفت. در جریان این ورکشاپ از جانب گردانندگان توضیح گردید که بنابر مقتضای زمان و سیستم های جدید مدیریتی و بودجوی که در دنیای مترقی مورد استفاده قرار می گیرد،

و همچنان نواقص و ضعف های را که سیستم های کلاسیک بودجه سازی دارد، در حدود شش سال قبل دولت افغانستان تصمیم گرفت تا با کمک همکاران بین المللی خویش سیستم جدید بودجه سازی را جایگزین سیستم کلاسیک و قدیمی سازد. چرا که روش کلاسیک بودجه سازی در شرایط فعلی نمی تواند جوابگویی نیازها و سیستم های جدید مدیریتی باشد. به تاسی از آن از شش سال به این طرف وزارت های کلیدی در

ادامه در ص/۳

ملکیت و سایر حقوق عینی در عمار و منقول بوسیله عقد انتقال می یابد مشروط بر اینکه عقد بصورت صحیح، قاطع، نافذ و لازم گردد. (ماده ۲۲۱۰ قانونی مدنی)